

تبلیغ و ترویج

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال چهارم - شماره هفتم

پاییز و زمستان ۱۴۰۴

نقش برجسته وحدت امت اسلامی در تحقق تمدن اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین میثم صفری*

اشاره

انسان در منطق قرآن، موجودی است که خداوند او را با فطرتی پاک و حق جو آفرید؛ به سبب همین سرمایه الهی، آفرین خویش را بر او اظهار کرد.^۱ امتیاز انسان در برابر فرشتگان در وجود گرایش های متضاد الهی و شیطانی است؛ مجموعه ای از تمایلات که او را به انتخاب آزادانه مسیر خیر یا شر قادر می سازد. با فرود آمدن انسان به زمین، این گوهر الهی در معرض دنیازدگی پنهان شد؛ چنان که فرشتگان در آغاز آفرینش هشدار دادند که چنین موجودی استعداد فساد نیز دارد.^۲ بنابراین انسان هم زمان توانایی رسیدن به عالی ترین مراتب و سقوط به پست ترین درکات را در خود دارد.

قرآن هدف خلقت را عبادت و عبودیت معرفی می کند؛^۳ یعنی انسان یا عبد خداست یا اگر خود را جای خدا نشاند، گرفتار پرستش هوا و هوس می شود.^۴ بنابراین هیچ انسانی بی دین نیست؛ حتی منکران خدا نیز در عمل از منظومه ای از باورها و اقتدارها پیروی می کنند. اما دینی که بر فطرت پاک بشر منطبق باشد، تنها اسلام است؛ دینی جامع که برنامه سعادت فرد و جامعه را ارائه می دهد و به سبب همین جامع بودن، میلیون ها انسان را جذب کرده است. اسلام نه تنها برای حیات فردی، بلکه برای شکل دهی به حکومت و جامعه نیز الگو و برنامه دارد. بر همین

* پژوهشگر گروه علمی امت و تمدن پژوهشکده باقرالعلوم (ع).
۱. بقره: ۳۰؛ شمس: ۷-۱۰.

۲. بقره: ۳۰.

۳. ذاریات: ۵۶.

۴. جاثیه: ۲۳.

مبناست که رهبر معظم انقلاب، تحقق «تمدن نوین اسلامی» را جامعه‌ای سرشار از علم، پیشرفت، عزت، عدالت و قدرت می‌داند.

برخلاف تصور برخی اختلاف‌های قومی، مذهبی و فرهنگی نه مانع تمدن‌سازی اسلامی، بلکه جزئی از حکمت الهی‌اند.^۱ این تفاوت‌ها بستر آزمون، رشد و شناخت متقابل‌اند. در برابر این مسیر، دشمنان اسلام برای جلوگیری از تمدن‌سازی اسلامی همه ابزارها را به کار می‌گیرند؛ مهم‌ترین آن ترویج ناهنجاری‌های اخلاقی و ایجاد اختلاف میان مسلمانان است. استعمار و قدرت‌های بیگانه، موجب شدت یافتن اختلاف‌های مذهبی، قومی و سیاسی می‌شوند و چهره‌ای خشن و تکفیری از اسلام در جهان ارائه داده‌اند؛ چنان‌که رهبر انقلاب، تاریخ طولانی سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» را در جهان اسلام گوشزد کرده‌اند. از سوی دیگر، بنیاد فرهنگی تمدن غربی نیز بر سبک زندگی مادی و هویت‌زداست و ایشان تأکید کرده‌اند که شرط رسیدن به تمدن جدید اسلامی، پرهیز از تقلید غرب است.

مسلمانان برای تأثیرگذاری تمدن اسلامی بر سایر تمدن‌ها باید سیره پیامبر در مدارا، اخلاق، رفتار با دیگر ادیان و حتی مشرکان را الگو قرار دهند؛ اسلام دین انسان‌ساز است نه خشونت‌زا. بنابراین دوری از افراط، پرهیز از تکفیر، رحمت درونی و تعامل سازنده، شرط شکوفایی تمدن اسلامی است؛ بنابراین فرد یا جریانی که دیگر مسلمانان را خارج از اسلام بشمارد، در عمل به برادرکشی و مانع تمدن‌سازی تبدیل شده است.

این نوشتار با همین مبنا، نخست اسلام انسان‌ساز و عقلانی را با جاهلیت قدیم و مدرن مقایسه می‌کند؛ سپس شاخصه‌ها و موانع تحقق تمدن اسلامی را توضیح می‌دهد و در پایان به تبیین «تمدن نوین اسلامی» به مثابه گمشده امروز جهان اسلام می‌پردازد. در همین راستا، رهبر انقلاب از عالمان و اندیشمندان می‌خواهند منشور وحدت اسلامی را تدوین کنند تا زمینه تکفیر و اتهام‌زنی مذهبی مسدود و محور مشترکات تقویت گردد؛ اقدامی که تاریخ آن را از نسل امروز اندیشمندان مسلمان مطالبه می‌کند.^۲

مراد از تمدن اسلامی

مقام معظم رهبری، تمدن اسلامی را «فضایی» می‌داند که انسان در آن توان رشد هماهنگ

۱. هود: ۱۱۸؛ حجرات: ۱۳.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۰۱/۱۷.

مادی و معنوی می‌یابد و به اهداف مطلوبی می‌رسد که خداوند او را برای آنها آفریده است؛ فضایی که انسان در آن زندگی خوب، شرافتمند و عزتمندی داشته باشد.^۱

خداوند در قرآن وعده تحقق صورت نهایی تمدن اسلامی را داده است و می‌فرماید:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^۲

خداوند به مؤمنان اهل عمل وعده داده است که حاکمیت زمین را در اختیار آنها می‌گذارد، همان‌طور که قبلاً در بعضی موارد در اقوام گذشته چنین کرده است. دین آنها را در همه روابط زندگی‌شان حاکم و خوف آنها را به امنیت تبدیل می‌کند. مؤمنان با پرستش خداوند، دینداری خود را ادامه می‌دهند و جایی برای کفر و امید به غیر نیست مگر برای فاسقان.

موانع تحقق تمدن نوین اسلامی

مهم‌ترین مانع در مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، «افراط‌گرایی» است؛ جریانی که انسجام امت را فرو می‌پاشد، عقلانیت دینی را از میان می‌برد و ظرفیت‌های امت را به جای هم‌افزایی، به سمت تخریب درونی سوق می‌دهد.

۱. تکفیر: شدیدترین نمود افراط‌گرایی

تکفیر یعنی نسبت‌دادن کفر به مسلمان، خطرناک‌ترین آسیب اجتماعی افراط است. قرآن به صراحت می‌فرماید: «به کسی که به شما سلام می‌دهد، نگویند تو مؤمن نیستی».^۳

تجربه تاریخی مسلمانان نیز هشداردهنده است؛ رسول خدا ﷺ در برخورد با قتل ناحق فردی که «لا اله الا الله» گفته بود، فرمودند: «آیا قلب او را شکافتی؟».^۴ قرآن همچنین نزاع و منازعه را عامل زوال قدرت و شوکت امت دانسته است: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ».^۵ این هشدار امروز در کشورهای چوچون عراق، افغانستان، پاکستان و سوریه به روشنی دیده

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲.

۲. نور: ۵۵.

۳. نسا: ۹۴.

۴. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۶؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۹۲.

۵. انفال: ۴۶.

می‌شود؛ جایی که برادرکشی و تعصبات مذهبی، عقب‌ماندگی، ناامنی و ذلت را رقم زده است. از بزرگ‌ترین نمودهای این ضعف، ازدست‌رفتن بیت‌المقدس به دست صهیونیست‌هاست.

۲. دامن‌زدن به اختلاف‌های قومی - مذهبی

تنوع قومی و مذهبی، ظرفیت الهی برای «تعارف» و شناخت متقابل است: «جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»^۱. اما هنگامی که قومیت و مذهب به ابزار فخرفروشی و طایفه‌گرایی تبدیل شود، اختلاف طبیعی به اختلاف مذموم بدل می‌شود و امت را با واگرایی مواجه می‌کند.

۳. غلو

غلو یعنی تجاوز از حد^۲ و نسبت‌دادن صفات الهی به بندگان. این انحراف هم در میان برخی از شیعیان شیعه و هم برخی از اهل سنت دیده می‌شود و بزرگان اسلام از آن تبری جسته‌اند. غلو، عقلانیت دینی را از میان می‌برد و زمینه تکفیر متقابل را فراهم می‌کند. خداوند به کسانی که حضرت مسیح، نسبت الوهیت می‌دادند فرمود: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ»^۳.

۴. جهل، ریشه اصلی افراط‌گرایی

انسان جاهل همواره در حال افراط یا تفریط دیده می‌شود^۴ و قرآن نیز رفتارهای ناپسند را به جهل نسبت می‌دهد: «مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ»^۵. بر اساس این بیان، جهل ریشه بسیاری از افراطی‌گری‌هاست: «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ»^۶.

ریشه اصلی اتهام تحریف قرآن به شیعه یا اتهام ناصبی بودن اهل سنت، جهل و ناآگاهی است؛ اما اگر فرد پس از آگاهی بر عقیده باطل خود اصرار ورزد، این رفتار مصداق «بَغْي» و اختلاف مذموم خواهد بود.

۱. حجرات: ۱۳.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۷۱۴.

۳. مانده: ۷۷.

۴. محمد بن حسین سیدالرضی، نهج البلاغه، حکمت ۷۰.

۵. نسا: ۱۷.

۶. ص: ۲۶.

۵. جمود، تحجر و تعصب (دگماتیسم)

«تعصب» انسان را گرفتار خودحق‌پنداری و دیگرستیزی می‌کند و تحمل اختلاف را از بین می‌برد. پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که اندکی تعصب در دل داشته باشد، خداوند او را با اعراب جاهلیت محشور می‌کند».^۱ امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «تعصب، حلقه ایمان را از گردن انسان برمی‌دارد».^۲

امام خمینی در وصیت‌نامه پیرامون «متحجران» می‌فرماید: «عده‌ای مقدس‌نمای واپس‌گرا همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ‌کس قدرت این را نداشت که در مقابل آنها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است».^۳

۶. هوای نفس، بی‌تقوایی و بی‌اخلاقی

افراط‌گرایی بیش از آنکه فکری باشد، اخلاقی است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «از کسی که دلش را از یاد ما غافل ساختیم و از هوای نفس پیروی کرد، پیروی مکن».^۴ تقوا نقطه مقابل افراط است و جامعه متقی از درگیری‌های مذهبی و قومی می‌کاهد. امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید: «اگر همه انبیا در یک عصر جمع شوند، اختلاف نخواهند کرد؛ زیرا بر نفس خویش حاکم‌اند».^۵

۷. سوءظن، نیت‌خوانی و داوری بر اساس پیش‌فرض‌های ذهنی

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «دشمنی قومی شما را به ترک عدالت نکشاند؛ عدالت کنید».^۶ بسیاری از نزاع‌های مذهبی به دلیل سوءظن است؛ چنان‌که برخی اهل سنت را ناصبی می‌خوانند و برخی شیعه را مشرک. نمونه روشن، ادعای باطل ناصرالدین قفقاری در اصول مذهب الشیعه است: «امام خمینی نام خود را در اذان نمازها داخل کرده و حتی نام خود را بر پیامبر اسلام ﷺ نیز مقدم کرده است. در ایران اذان در نمازها چنین است: "الله اکبر الله اکبر،

۱. ملا صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۵، ص ۶۴۳-۶۴۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۷۴۹.

۳. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه، ج ۲۱، ص ۲۷۹.

۴. کهف: ۲۸.

۵. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه، ج ۲۰، ص ۷۸.

۶. مائده: ۸.

خمینی رهبر و بعد از آن اشهد أن محمداً رسول الله گفته می شود.^۱

۸. دامن زدن به مسائل اختلافی در جامعه

اختلاف بر دو گونه است:

الف) اختلاف طبیعی و الهی: این نوع ممدوح است: تنوع رنگ، زبان، نژاد، استعدادها و حتی اختلاف علمی در غیر اصول؛ همان گونه که خداوند می فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ... مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ».^۲

ب) اختلاف مذموم: منجر به تفرقه، ضعف و زوال قدرت می شود که در قرآن آمده است: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا».^۳

خداوند متعال در قرآن تصریح می کند اختلاف بعد از علم و آشکار شدن حقیقت، مستوجب عذاب است: «وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَعْيًا»؛^۴ «لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ... وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۵ «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ»؛^۶ و: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا... مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ».^۷

سیره وحدتی بزرگان اسلام

نمونه های تاریخی و روایی فراوانی نشان می دهد که وحدت و هم گرایی در رأس تعالیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام قرار داشته است.

نخستین اقدام وحدت ساز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، برپایی «عقد اخوت» میان مسلمانان بود؛ آن گاه که فرمودند: «تَأَخَّوْا فِي اللَّهِ أَخَوِيْنَ»^۸ در راه خدا با یکدیگر برادری کنید». این رفتار، سنگ بنای وحدتی بود که جامعه نوپای اسلامی را از فروپاشی نجات داد.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره خطر جدایی از جماعت هشدار می دهند و می فرمایند: «هر کسی به

۱. ناصرالدین قفاری، اصول مذهب الشیعه الإمامیه، ج ۳، ص ۱۳۹۲.

۲. فاطر: ۲۴.

۳. انفال: ۴۶.

۴. بقره: ۲۱۳.

۵. آل عمران: ۷۱.

۶. روم: ۳۱-۳۲.

۷. آل عمران: ۱۰۵.

۸. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۴۲.

اندازه‌ی یک وجب از جماعت فاصله بگیرد، رشته‌ی تعلق اسلام را از گردن خود برکنده است»^۱. همچنین می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ؛ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُتَادَى يَأْتِي لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۲. بی‌تفاوتی به امور مسلمانان و بی‌پاسخ گذاشتن فریاد استغاثه آنان، انسان را از دایره اسلام خارج می‌کند.

سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر همین اساس است. رفتار امیرالمؤمنین علیه‌السلام در صفین و نهروان - آنجا که بسیاری از یارانش شیعه نبودند - و نیز روش امام حسن علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام که هزاران شاگرد از مذاهب گوناگون تربیت کردند، نمونه‌های روشنی از این نگاه وحدت‌آفرین‌اند. نتیجه این سیره‌ی عقلانی و اخلاقی، منزوی شدن جریان‌های افراطی همچون عثمانیه و ناصبیه در امت اسلامی بود.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ؛ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ»^۳. دست یاری خدا با جماعت است. از تفرقه پرهیزید؛ زیرا انسان جدا افتاده طعمه شیطان می‌شود؛ همان‌گونه که گوسفند تک‌رو شکارِ گرگ است».

امام صادق علیه‌السلام برای حفظ وحدت جهان اسلام، پیروان خود را به حضور فعال در میان دیگر مسلمانان توصیه کرده‌اند؛ از جمله خواندن نماز در مساجد آنان، شرکت در تشییع جنازه و عیادت بیمارانشان. این رفتار، پیوندهای اجتماعی و دینی را تقویت می‌کند و سوءتفاهم‌ها را کاهش می‌دهد.^۴

امام رضا علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا جَعَلْنَا مَحَبَّةً فِي قُلُوبِ النَّاسِ وَلَمْ يُبَغِّضْهُمْ إِلَيْنَا:° خداوند رحمت کند کسی را که ما را محبوب مردم می‌سازد و آنان را در برابر ما دچار دشمنی نمی‌کند».

این سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، بنیان ثابت و روشن «وحدت امت اسلامی» است و می‌تواند الگوی اصلی برای شکل‌دهی به هم‌گرایی در جهان اسلام باشد.

۱. علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ۱۰۳۵.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵.

۳. محمد بن حسین سیدالرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۷۷.

۵. همان، ج ۸، ص ۲۲۹.

معنای صحیح وحدت اسلامی

وحدت اسلامی به معنای چشم‌پوشی از عقاید یا یکپارچه‌شدن مذاهب نیست. مقام معظم رهبری فرمودند: «وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری کنند؛ نه اینکه شیعه، سنی و سنی، شیعه بشود؛ بلکه وحدت به معنای احساس برادری است؛ در واقع همین که هر طرفی احساس کند که دیگری هم مسلمان است و در مقابل، او هم به همین ترتیب عمل کند».^۱

انکار اختلاف‌های مذهبی نه ممکن است و نه مفید، بلکه خود انکار می‌تواند زمینه‌ساز افراط‌گرایی شود. راه صحیح، «مدیریت اختلافات» است؛ زیرا مذاهب اسلامی با وجود اختلافات در برخی مسائل، در موضوعاتی مانند «امت واحده» و «تمدن اسلامی» دارای اشتراکات اساسی‌اند و همین اشتراکات، پایه وحدت واقعی است.

الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی

۱. محوریت قوانین قرآن

تمدن نوین اسلامی باید بر «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» استوار باشد و نخستین و مهم‌ترین این مبانی، قرآن کریم است؛ کتابی که همه فرقه‌های اسلامی آن را منبع اعلای هدایت می‌دانند. دشمنی قدرت‌های معاند با جمهوری اسلامی نیز به دلیل همین محوریت قوانین الهی برگرفته از قرآن است. علت اهمیت قرآن، جامع‌بودن و پاسخ‌گویی آن به نیازهای فردی و اجتماعی بشر است. امام خمینی علیه السلام نیز محوریت قوانین قرآن را از پیش‌فرض‌های امت واحده و تمدن اسلامی دانسته‌اند.^۲

۲. ایمان

ایمان در اندیشه رهبر معظم انقلاب، شرط بنیادین تمدن نوین اسلامی است. ایشان جدایی دین از سیاست را از مظاهر شرک می‌دانند و تأکید می‌کنند که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام - از جمله سیاست - ایمان نیاورند، وارد اسلام حقیقی نمی‌شوند. محور تمدن اسلامی به نظر ایشان، ایمان به خدای سبحان و تحقق توحید ناب است. انسان ناگزیر است به چیزی ایمان بیاورد؛ این

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با گروهی از روحانیون، ائمه جمعه و اساتید حوزه‌های علمیه اهل سنت، ۱۳۶۸ ش.

۲. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه، ج ۱۰، ص ۴۴۹.

ایمان می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید باشد. انتخاب سبک زندگی نیز تابع همین ایمان است. بنابراین تمدن اسلامی بر ایمان عمیق و توحیدی بنا می‌شود.^۱

۳. خردورزی

رهبر معظم انقلاب، «خردورزی» را مهم‌ترین بن‌مایه سبک زندگی تمدن‌ساز می‌دانند. در روایات نیز اندیشیدن در اصول دین و فرجام زندگی از عبادت‌های طولانی برتر شمرده شده است. قرآن نیز حدود سیصد مرتبه انسان را به تفکر و تعقل دعوت می‌کند.^۲ معظم‌له عقلانیت را «استخراج نیروی خرد انسان و حاکم‌ساختن آن بر فکر و عمل» تعریف می‌کنند و تأکید دارند که برای ساخت امت واحده و تمدن اسلامی باید عقل معیار تصمیم‌گیری باشد. عقلانیت در نگاه ایشان به معنای محافظه‌کاری یا سازش‌کاری نیست، بلکه «قدرت تشخیص و اقدام صحیح» است.^۳

۴. علم

علم از نگاه رهبر انقلاب، چراغ راه تمدن نوین اسلامی است؛ بنابراین آینده بدون علم، آینده‌ای تاریک است. علم قدرت‌آفرین است و جامعه برخوردار از علم، صاحب عزت و اقتدار خواهد بود.

ایشان بر «مجاهده علمی» تأکید دارند؛ یعنی تولید علم، گسترش آن و شکستن مرزهای دانش. اجتهاد صحیح - استنباط متکی بر عقل و وحی - مسیر تولید علم تمدن‌ساز است. تحجر علمی، جمود فکری و تقلید از گذشتگان یا غرب از آفت‌های اساسی پیشرفت علمی‌اند و آزادی فکری راه نجات از این آفت‌هاست.^۴

۵. مجاهدت

در اندیشه رهبر معظم انقلاب، «مجاهده» واژه‌ای استراتژیک و از ارکان تمدن اسلامی است. ایشان بر اساس آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۵ مجاهدت همراه با اخلاص، عامل

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

۲. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۳، ص ۵۷.

۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹.

۴. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

۵. عنکبوت: ۶۹.

قطعی هدایت و موفقیت است»، جهاد را در دو سطح تعریف می‌کنند: الف) جهاد اکبر: مبارزه با نفس؛ ب) جهاد اصغر: مقابله با دشمن بیرونی و استکبار. ایشان همچنین «جهاد سیاسی»، «جهاد اقتصادی» و «جهاد علمی» را لازمه حرکت تمدنی می‌دانند. ایشان همچنین معتقدند پایه‌های تمدن اسلامی عبارت‌اند از: ایمان، عقلانیت، مجاهدت و عزت.^۱

۶. حکومت مردمی

مردم جایگاهی محوری در تمدن اسلامی دارند. رهبر معظم انقلاب ضمن تبیین مبانی مکتب سیاسی امام خمینی علیه السلام، تأکید می‌کنند که مردم‌سالاری دینی برخاسته از متن اسلام است و نه مانند الگوهای غربی، صرفاً شعار یا ابزار فریب. مردم‌سالاری اسلامی ریشه در تعالیمی چون «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» و «أَيُّدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» دارد. بنابراین مشارکت مردم در اداره جامعه، شرط بقای تمدن اسلامی است.^۲

۷. ایجاد رفاه عمومی

یکی دیگر از شاخصه‌های تمدن اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب، برقراری رفاه عمومی عادلانه است. سیاست اقتصادی تمدن اسلامی باید به گونه‌ای باشد که رشد اقتصادی، افزایش تولید، اشتغال، کاهش تورم، بهره‌وری و رفاه عمومی برای تک‌تک افراد جامعه فراهم شود. این رفاه نه صرفاً یک هدف اقتصادی، بلکه مؤلفه‌ای تمدنی است.^۳

۸. استقرار عدالت

عدالت از اصول بنیادین تمدن اسلامی و از ارکان مذهب شیعه است. خداوند متعال مؤمنان را به عدالت‌ورزی فرمان می‌دهد: «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»؛^۴ همچنین هدف ارسال پیامبران را «قیام مردم به عدالت» بیان می‌کند: «لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».^۵ تاریخ نشان داده است بزرگ‌ترین عامل فروپاشی تمدن‌ها، ظلم و انحراف از عدالت بوده

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۴/۹ و ۱۳۹۲/۸/۲۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۸/۱۴.

۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.

۴. نساء: ۱۳۵.

۵. حدید: ۲۵.

است. رهبر انقلاب نیز معتقدند زوال تمدن‌ها ناشی از خلأها و انحراف‌های درونی است و امروز نشانه‌های این زوال در تمدن غرب آشکار شده است. عدالت، بنیان استحکام تمدن اسلامی است.

نتیجه

در منطق قرآن، کرامت و سعادت حقیقی انسان که با سرمایه فطرت و برای هدف والای عبودیت آفریده شده است، تنها در سائ شکل‌گیری «تمدن نوین اسلامی» به کمال می‌رسد؛ تمدنی که انسان را از اسارت هوای نفس و جاهلیت مدرن می‌رهاند و بستر رشد مادی و معنوی را فراهم می‌آورد. بر این مبنا، تنوع و اختلافات بشری نه دستاویزی برای نزاع و زوال قدرت،^۱ بلکه حکمتی الهی برای رشد و «تعارف»^۲ است.

بنابراین راهبرد حتمی و نجات‌بخش امت اسلام، تمسک به ریسمان وحدت «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» و پرهیز از تکفیر و تعصب است؛ وحدتی که نه به معنای نفی تفاوت‌ها، بلکه به مفهوم همدلی بر استوانه‌های مستحکم «ایمان، عقلانیت، عدالت و مجاهدت» است. بدین‌سان تنها با بازگشت به قرآن و پیروی از الگوی اخلاقی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام است که می‌توان از گردنه‌های سخت تفرقه عبور کرد و زمینه تحقق وعده‌ی تخلف‌ناپذیر الهی در آیه ۵۵ سوره «نور» یعنی وراثت صالحان و استقرار امنیت و عزت جهانی را فراهم آورد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ش.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، انتشارات ذی القربی، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ ش.
۳. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، ج ۱، قم: هجرت؛ قم، ۱۴۱۴ ق. صحیح مسلم،
۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه،

۱. انفال: ۴۶.

۲. حجرات: ۱۳.

چاپ پنجم، ١٤١٧ ق.

٥. قفاری، ناصرالدین، اصول مذهب الشیعه الإمامیه، چاپ دوم، قاهره: [بی نا]، ١٤١٥ ق.
٦. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب العلمیه، ١٤٠٧ ق.
٧. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی؛ الأصول والروضه، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران: المکتبه الإسلامیه، چاپ اول، ١٣٨٢ ق.
٨. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت: مؤسسه الرساله، ١٤١٣ ق.
٩. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٤ ق.